

# نحوه تحلیل مسائل اجتماعی

سخنران:

رحیم زایر کعبه  
دکترای جامعه شناسی

کتابهای مختلفی در موضوع مسائل اجتماعی نوشته شده است:

کتابهای خارجی:

- ✓ کتاب «جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی» جیمز کرون.
- ✓ کتاب «راه‌حلهایی برای مسائل اجتماعی» استانلی آیتزن و کریگ لیدهام.
- ✓ کتاب «مسائل اجتماعی» مشونیس.
- ✓ کتاب «رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی» رابینگن و واینبرگ.
- ✓ کتاب «مبانی درک مسائل اجتماعی» از لویر و همکاران.
- ✓ کتاب «منطق کنش اجتماعی: روش تحلیل مسائل اجتماعی» ریمون بودون.

کتابهای داخلی:

- ✓ کتاب «جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران» سعید معیدفر
- ✓ کتاب «آسیب‌شناسی اجتماعی» رحمت‌الله صدیق سروستانی

ارزیابی کتابهای نوشته شده:

- ✓ مقدمه کوتاه درباره تعریف مسائل اجتماعی و علل کلی آنها
- ✓ توصیف نظریه‌های مختلف جامعه‌شناختی در یک فصل جداگانه
- ✓ بررسی تحقیقات انجام گرفته درباره مسائل اجتماعی در بقیه فصول کتاب

عیب عمده این کتابها:

صرفاً توضیح مطالب توصیفی درباره مسائل اجتماعی و عدم آموزش مهارت تحلیل مسائل اجتماعی.

## تعریف مسئله اجتماعی

«وضعیت اظهار شده‌ای است که با ارزش‌های تعداد زیادی از مردم مغایرت دارد و باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد» (راینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۲: ۱۲).

وضعیت اظهار شده

مسئله اجتماعی باید از سوی افراد درگیر به درستی مسئله تلقی شده و اظهار گردد. مثلاً صاحب-خانه-های سفیدپوست مدعی هستند همسایگی آنها با سیاه-پوستان موجب کاهش قیمت ملک آنها می‌شود؛ در حالی که سیاه-پوستان تقاضاهای زیادی برای خرید همان خانه‌ها داشته‌اند.

مغایرت با ارزش‌ها

ارزش‌های اجتماعی شبیه نخ تسبیح هستند که با ایجاد همبستگی درونی و تعیین کنترل‌های اجتماعی، افراد جامعه را به مانند دانه-های تسبیح در کنار هم نگه می‌دارند.

## تعریف مسئله اجتماعی

تعداد زیادی از مردم

توجه به دو نکته: الف) اینکه مشخص نیست که منظور از «تعداد زیادی از مردم» چند نفر است.

ب) بعضی افراد مثل نمایندگان مجلس، ثروتمندان و... نسبت به بعضی از افراد دیگر «مهم تر» هستند.

نیاز به اقدام

برای مثال جامعه شناس ممکن است انتظار بیماران را در اتاق انتظار پزشکان یک مسئله بداند. اما چنین نیست، زیرا تا به حال شاهد اقدامی عملی برای رفع آن نبوده-ایم.

## نکاتی درباره مساله اجتماعی

۱-۱. نسبی بودن مسئله اجتماعی

مسئله اجتماعی بر حسب زمان، مکان و موقعیت افراد تغییر یافته و نسبی می شود. مثل تغییر مسئله اعتیاد از جرم به بیماری.

۱-۲. پیامدهای مسائل اجتماعی

✓ پیامدهای منفی: اختلال در نظم اجتماعی، اختصاص منابع و امکانات برای مبارزه با مسائل اجتماعی، رواج بی اعتمادی اجتماعی و بی اعتباری ارزشها و هنجارهای اجتماعی.

✓ پیامدهای مثبت: روشن کردن دقیق هنجارهای اجتماعی، تقویت انسجام اجتماعی و منبع تغییرات اجتماعی مثبت.

۱-۳. تقسیم بندی مسائل اجتماعی

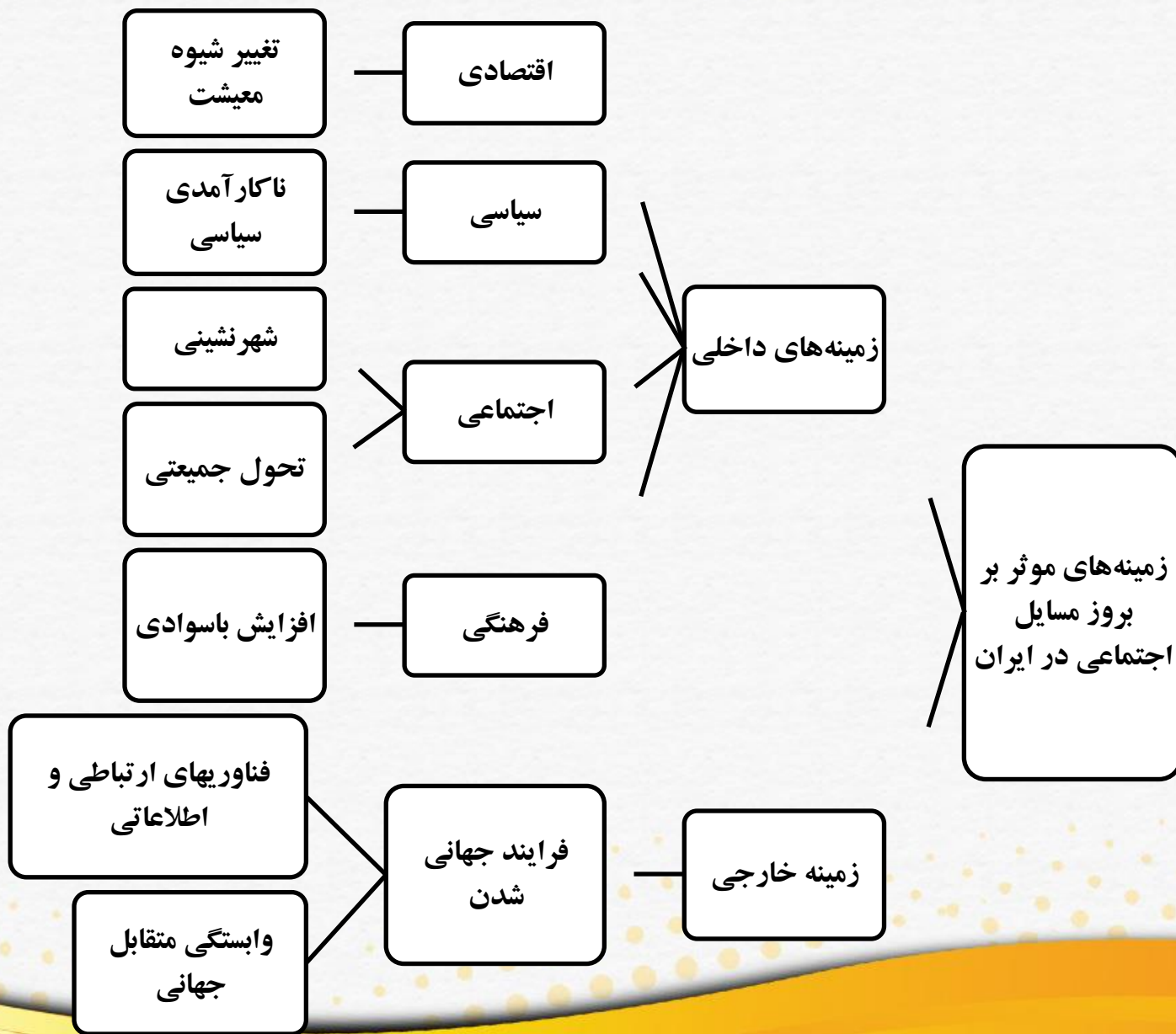
✓ بر حسب سطوح مسئله اجتماعی: خرد، میانی و کلان.

✓ بر حسب خرده نظام های جامعه: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.

✓ بر حسب منشا اجتماعی: داخلی و خارجی.

✓ بر حسب اثرات اجتماعی: به لحاظ زمانی (دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت) به لحاظ نوع اثرات (مستقیم و غیر مستقیم)

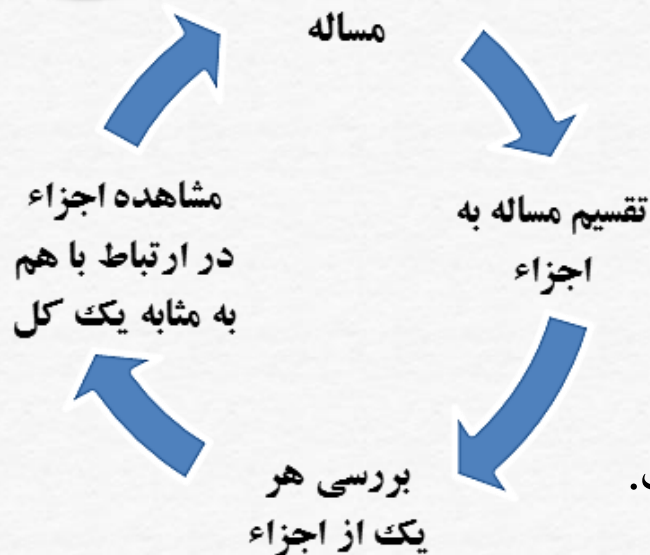
# زمینه‌های موثر بر بروز مسائل اجتماعی در ایران



## تعریف تحلیل

تحلیل :

شکستن یک مسئله یا موضوع به اجزا، درک و فهم هر یک از اجزا و سپس درک مسئله از طریق پیوند دادن اجزا باهم و باهم دیدن آنها با هدف فهم بهتر آن مسئله است. تحلیل، برقراری رابطه درونی بین متغیرهای مختلف است و این فرایند از طریق نظریه-های قیاسی و استقرایی میسر می شود. تحلیل مثل حل یک جدول متقاطع است.



فواید تحلیل:

- ✓ تحلیل با توصیف روشن، عملی و دقیق مسئله اجتماعی موجب رفع ابهام و پیچیدگی مسئله می شود.
- ✓ با تحلیل، علل و عوامل موثر در بروز مسئله مشخص و حل آن محقق می شود.
- ✓ با تحلیل، امکان سیاست-گذاری اجتماعی موفق و کارآمد فراهم می سازد.

# پیش فرض های تحلیل مسائل اجتماعی

## ۱. پیش فرض های انسان شناختی

### سرشت انسانها

- ✓ انسانها، سرشت مشترکی ندارند. مثل جامعه گرایان، اگزیستانسیالیستها، تاریخ گرایان و رفتار گرایان.
- ✓ انسانها، سرشت مشترکی دارند. مثل اسلام و نظریه اسپینوزا.

### ماهیت سرشت انسانها

- ✓ سرشت انسانها خوب است (ولتر).
- ✓ سرشت انسانها بد است (هابز).
- ✓ سرشت انسانها نه خوب و نه بد است (جان لاک).
- ✓ سرشت انسانها هم خوب و هم بد است (اسپینوزا).

### انسان و ساختار اجتماعی

- ✓ انسانها در برابر ساختار اجتماعی، منفعل هستند. مثل مارکس، دورکیم، پارسونز.
- ✓ انسانها در برابر ساختار اجتماعی، فعال هستند. مثل وبر، مید.
- ✓ انسانها در برابر ساختار اجتماعی، هم منفعل و هم فعال هستند. مثل گیدنز، بوردیو.

# پیش فرض های تحلیل مسائل اجتماعی

## ۲. پیش فرض های معرفت شناختی

### تفاوت در قواعد اجتماعی و قوانین طبیعی

- ✓ در علوم طبیعی ، روابط بین پدیده ها، ثابت، همیشگی و غیراعتباری است.
- ✓ در علوم اجتماعی، روابط بین پدیده ها، متغیر، نسبی و اعتباری است.

### تفاوت در صورت ظاهری و باطنی

- ✓ در علوم طبیعی ، پدیده ها، صرفاً صورت عینی و ظاهری دارند.
- ✓ در علوم اجتماعی، پدیده ها، صورت عینی و ظاهری و همچنین صورت ذهنی و پنهان دارند.

### تفاوت در فرض پیشینی و پسینی

- ✓ در علوم طبیعی ، پژوهشگر درباره پدیده ها، پیش فرض ندارد.
- ✓ در علوم اجتماعی، پژوهشگر درباره پدیده ها، پیش فرض دارد.

### تفاوت در آزمون پذیری تجربی وسیع و محدود

- ✓ در علوم طبیعی ، آزمون پذیری پدیده ها، محدودیت ندارد.
- ✓ در علوم اجتماعی، آزمون پذیری پدیده ها، محدودیت دارد.

## پیش فرض های تحلیل مسائل اجتماعی

### تفاوت در پیش بینی قطعی و احتمالی

- ✓ در علوم طبیعی ، پیش بینی پدیده ها، دقیق و قطعی است.
- ✓ در علوم اجتماعی، پیش بینی پدیده ها، نسبی و احتمالی است.

### تفاوت در نظام نظری وسیع و محدود

- ✓ در علوم طبیعی ، نظام نظری درباره یک پدیده خاص، فراگیر بوده و محدودیت ندارد.
- ✓ در علوم اجتماعی، نظام نظری درباره یک پدیده خاص، فراگیر نبوده و محدودیت دارد.

### تفاوت در رابطه واقعیت و ارزش

- ✓ در علوم طبیعی ، ارزشهای پژوهشگر در بررسی پدیده یا واقعیت طبیعی دخالت ندارد.
- ✓ در علوم اجتماعی، ، ارزشهای پژوهشگر در بررسی پدیده یا واقعیت اجتماعی دخالت دارد.

## مراحل تحليل مسائل اجتماعي

۱-۴. تعریف سوال یا مسئله

۲-۴. تعیین متغیرهای مسئله و تعریف آنها

۳-۴. تعیین رابطه بین متغیرها

۴-۴. سطوح تحلیل متغیر

۵-۴. تحلیل چندمتغیره

۶-۴. علیت احتمالی نه قطعی

۷-۴. استفاده از نظریه

## ۱. طرح درست مسئله یا سوال

### ۱. طرح درست مسئله یا سوال

✓ مسئله یا سوال عبارتست از ناسازگاری یا فاصله بین وضعیت موجود با وضعیت مطلوب.

✓ سوال باید روشن ، عملی و حقیقی (نه کاذب) باشد.

مثال: پوپر پرسش نادرست افلاطونی «چه کسی باید حکومت کند؟» را به پرسش درست «چگونه باید حکومت کند؟» تغییر می دهد.

## ۲. تعیین متغیرهای مسئله و تعریف آنها

برخلاف متغیرهای علوم طبیعی، متغیرهای علوم اجتماعی، مفاهیمی ذهنی، اعتباری و بیناذهنی هستند و در نتیجه نیازمند تعریف دقیق هستند.

✓ متغیرها بر حسب سطح سنجش :

❖ اسمی (درآمد)

❖ رتبه ای (درآمد بیشتر و کمتر)

❖ فاصله ای (درآمد ۱۰ تا ۱۵ میلیونی، ۱۵ تا ۲۰ میلیونی)

❖ نسبی (درآمد ۲۰ میلیونی)

### ۳. تعیین رابطه بین متغیرها

□ رابطه یک سویه یا علی: مثل تاثیر اعتیاد ← زندگی فرد معتاد.

□ رابطه دوسویه یا دیالکتیکی: مثل تاثیر اعتیاد ↔ زندگی معتاد (تاثیر شرایط معتاد بر ارتکاب اعتیاد).

□ رابطه هم تغییری یا همبستگی: مثل رابطه سن ↑ اعتیاد ↓

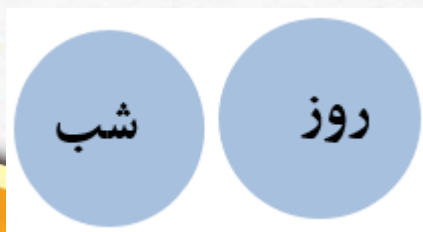
✓ رابطه منطقی بین متغیرها:



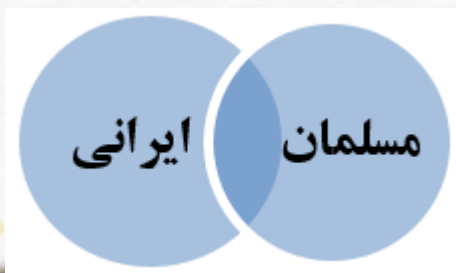
عموم و خصوص مطلق



تساوی



تباين



عموم و خصوص من وجه

### ۳. تعیین رابطه بین متغیرها

شیوه های نمایش روابط بین متغیرها به صورت ساده و قابل فهم :

## ماتریس ها

جدول شماره (2-3) انواع مسائل اجتماعی از دیدگاه مرتن

| نوع مسئله اجتماعی | اهداف (ارزشها) | وسایل (هنجارها) | مثال                                                                                                                         |
|-------------------|----------------|-----------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نوآوری            | +              | -               | زدن بانک برای رسیدن به ثروت بیشتر.                                                                                           |
| مناسک گرای        | -              | +               | پرستار کشیک که به جای فراهم آوردن وسایل درمان فوری بیمار به تهیه دقیق پرونده پزشکی او اقدام می کند.                          |
| انزوای گرای       | -              | -               | فرد الکلی که خانواده، محل کار و دوستانش را رها کرده و واپس می زند.                                                           |
| شورش              | - (+)          | - (+)           | گروه های شورشی که در صدد براندازی ارزش ها و هنجارهای موجود و پیاده کردن ارزش ها و هنجارهای نوین خود هستند (کولن، 1374: ۱۶۵). |

## مدل ها

اجزای شناختی  اجزای روشی 

نمودار شماره (4-7) مدل قیاسی-استقرایی والاس

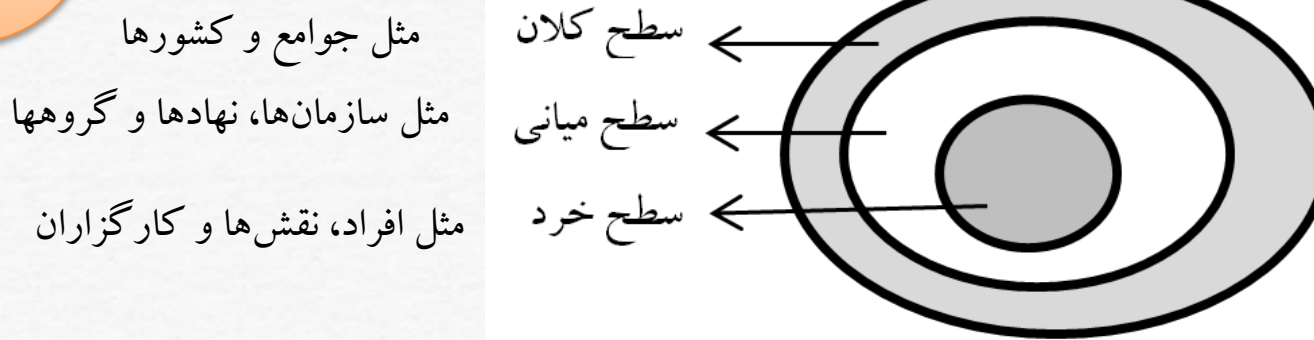
## نمودارها

نمودار آماری

## تمثیل ها

تمثیل موجود زنده به جامعه

## ۴. سطوح تحلیل متغیر



نکات:

✓ سطوح تحلیل در رابطه با یکدیگر قابل تعریف هستند. مثلاً کشور ایران در مقایسه با قاره آسیا و شهرهای آن.

✓ معمولاً تحلیل‌های سطح کلان نسبت به تحلیل‌های سطوح خرد و میانی از کفایت تحلیلی بیشتری برخوردارند. زیرا:

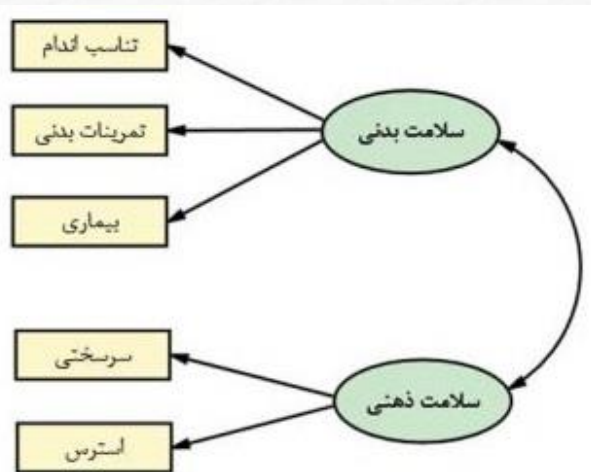
■ اولاً مسئله را در سطح کلی‌تر و در ارتباط با کل ساختار اجتماعی مورد تحلیل قرار داده و به این ترتیب از جامعیت بیشتری برخوردار می‌سازند.

■ ثانیاً با تغییر نوع روابط بین واحدهای مختلف در سطح کلان، شرایط و موقعیت‌های متفاوت و جدیدی ایجاد شود.

## ۵. تحلیل چندمتغیره

✓ در علوم اجتماعی در بروز یک مسئله اجتماعی نه یک عامل بلکه چندین علت یا عامل دخالت دارند. پس باید تحلیلی چند متغیره انجام داد.

✓ البته تحلیل چندمتغیره نباید به ارائه لیستی طولانی از عوامل مختلف منجر شود. زیرا چنین لیستی، امکان اقدام عملی برای حل مسئله را هم به لحاظ هزینه های زمانی و مالی از بین می برد. برای رسیدن به عوامل موثر به جای ارائه لیست طولانی دو راه وجود دارد:



### ۱) روش «تحلیل عامل» :

یعنی تقلیل متغیرها به عامل از طریق گروه-بندی کردن متغیرهایی است که با هم همبستگی متوسط یا نسبتاً بالایی دارند.

## ۵. تحلیل چندمتغیره

### ۲) سوالات انتقادی:

مثال : چرا بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تعداد معتادان موارد مخدر بیشتر شده؟

■ رشد جمعیت بیشتر ← چرا در همین دوران، بنگلادش و پاکستان با وجود رشد جمعیت، معتاد کم دارند؟

■ فضای تنش زای زندگی مدرن ← چرا مالزی با وجود اجرای برنامه های مدرنیزاسیون نشده؟

■ افزایش فقر ← اتفاقاً کارنامه جمهوری اسلامی در مهار فقر طبق آمار بین المللی موفق بوده.

■ قدمت فرهنگی ۳۰۰ ساله اعتیاد در ایران ← چرا پیش از انقلاب ، بیشتر نبوده؟

■ همسایگی ایران با افغانستان ← چرا خود افغانی ها نیستند یا پاکستان در مجاورت افغانستان چنین نیست؟

■ توطئه خارجی غرب و اسرائیل ← چرا کوبا و فلسطین دشمنان امریکا و اسرائیل چنین نیستند؟

جواب : سیاستهای غیرواقع بینانه

## ۶. علیت احتمالی نه قطعی

- ✓ جوهر علیت در منطق کلاسیک، رابطه مطلق (وجود یا عدم وجود رابطه) و ضروری است. در حالی که در منطق فازی، جوهر علیت، رابطه نسبی (درجات مختلف وجود یا عدم وجود رابطه) و احتمالی است.
- ✓ ماکس وبر به دلیل اینکه انسان را موجودی دارای شعور و اراده می‌داند و وجه پیچیده‌ای از تفسیرگری و تاریخ‌سازی برای او قایل است، پیش‌بینی‌های قطعی در علوم اجتماعی را ممکن نمی‌داند.

| منطق فازی                                                                                         | منطق کلاسیک                                                             |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------|
| منطق بودا                                                                                         | منطق ارسطو                                                              |
| چندارزشی مثل 0، 0/5 و 1                                                                           | دو ارزشی مثل 1 و 0                                                      |
| منطق هم این ... هم آن. مثلاً فرد هم اعتیاد دارد و هم ندارد.                                       | منطق یا این ... یا آن. مثلاً فرد یا اعتیاد دارد یا ندارد.               |
| مفهوم مورد سنجش به مثابه یک مجموعه                                                                | مفهوم مورد سنجش به مثابه یک متغیر                                       |
| درجه‌بندی <sup>۸</sup> میزان عضویت در یک مجموعه. مثلاً درجه‌بندی جوامع بر مبنای میزان اعتیاد آنها | اندازه‌گیری <sup>۷</sup> متغیر. مثلاً اندازه‌گیری میزان اعتیاد در جوامع |
| عضویت درجه‌بندی شده نسبی در یک مجموعه (تا مقداری)                                                 | عضویت یا عدم عضویت قطعی در یک مجموعه (همه یا هیچ)                       |

## ۷. استفاده از نظریه

□ نظریه «مجموعه‌ای از گزاره‌هاست که بر مبنای قواعد منطق قیاسی با یکدیگر در ارتباطند و برای تحلیل بخشی از واقعیت بکار می‌روند». از طریق نظریه روابط علی بین متغیرهای چندگانه مربوط به یک مسئله به نحو منطقی و روشن مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

□ نظریه همچون توری هستند که داده‌های پراکندهٔ عالم واقع از طریق آنها صید می‌شود؛ یا مانند عینکی هستند که جامعه‌شناس از پشت آنها می‌تواند به پدیده‌ها بنگرد.

## ۷. استفاده از نظریه

مثال: چرا عده‌ای به احزاب مدرن گرا و عده‌ای دیگر به احزاب سنت گرا رای می‌دهند؟

❖ نظریه «کنش متقابل نمادین»: رای فرد ناشی از کنش متقابل فرد با افرادی است که بر تمایلات انتخاباتی فرد، اثر می‌گذارند.

❖ نظریه «مارکسیستی»: رای افراد به حزبی خاص ناشی از جایگاه طبقاتی آنان و به تبع آن آگاهی طبقاتی یا آگاهی کاذب شان می‌باشد.

❖ نظریه «کارکردگرایی»: رای افراد نتیجه کارکرد خرده نظام‌های جامعه (مثل تورم و بی ثباتی سیاسی) است.

❖ نظریه «مبادله»: افراد به سوی آن حزبی جذب می‌شوند که منافع آنان را بیشتر تامین می‌کند.

توجه:

تحلیلگر نباید ذهن خود را به انباری از نظریه‌ها تبدیل کرده و آنها را حفظ نماید، بلکه باید آنها را فهمیده و درونی سازد. به قول کارل ویک با فهم و درونی ساختن نظریه، تحلیلگر باید صاحب یک «تخیل منضبط»

شود.

| کارکردگرایی<br>(دور کیم، پارسونز، مرتن)                                                                                                | تضاد<br>(مارکس و داراندورف)                                                                                                                                                                                             | کنش متقابل نمادین<br>(کولی و مید)                                                                                                                                         |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| جامعه، سیستمی یکپارچه از اجزای به هم وابسته است که توسط ارزشها و هنجارهای مشترک با یکدیگر هماهنگی یافته و منجر به نظم اجتماعی شده است. | جامعه، سیستمی از گروههای مختلف با ارزشها و منافع متضاد است که بر سر ثروت، قدرت و دیگر منابع ارزشمند رقابت می‌کنند.                                                                                                      | جامعه، شبکه‌ای از نقشهای به هم وابسته است که افراد در آنها از طریق کنش متقابل به معانی مشترک دست یافته و نظم اجتماعی را برمی‌سازند.                                       |
| تعریف مسائل                                                                                                                            | - هر چیزی که نظم اجتماعی (ارزشهای جمعی) را به هم بزند، مسئله اجتماعی است.                                                                                                                                               | - هر چیزی که از سوی جامعه خصوصا افراد مهم به عنوان مسئله اجتماعی تلقی گردد.                                                                                               |
| علت مسائل اجتماعی                                                                                                                      | - به هم خوردن تعادل ساختی در اثر تحولات سریع تکنولوژیکی، جمعیتی، فرهنگی و...<br>- انومی یا ضعف و تضاد هنجارها<br>- کژکارکردی یا ناکارآمدی نهادها<br>- جامعه‌پذیری نامناسب افراد<br>- ناهماهنگی بین اهداف و وسایل فرهنگی | - واکنش مردم یا عوامل کنترل اجتماعی به مسئله<br>- قدرت انگ‌زنی برخی از افراد و گروهها بر رفتار برخی دیگر<br>- تفاسیر مختلف از نقشهای اجتماعی                              |
| راه حل مسائل اجتماعی                                                                                                                   | - کاستن از سرعت تحولات برای برگرداندن تعادل ساختاری به جامعه<br>- اصلاح یا ترمیم نهادهای ضعیف<br>- جامعه‌پذیری مجدد افراد و گروهها                                                                                      | - تغییر در معانی و تعاریفی که موجب شده، پدیده‌ای به نفع عده‌ای، مسئله تلقی شود. مثل تصور مسئله‌آمیز از آموزشهای جنسی توسط سنت‌گرایان<br>- افشای منافع انگ‌زنان از زدن انگ |
| ارزیابی مکتب                                                                                                                           | - عدم توجه به تضاد و رقابت افراد و گروهها<br>- مشخص نکردن این سوال که: «کارکردی بودن برای چه کسی؟»                                                                                                                      | - عدم توانایی در ارتباط دادن مسائل سطح خرد چون انگ‌زنی به روابط سطح کلان                                                                                                  |

## ۷. استفاده از نظریه

الف) نظریه مکانیکی و سیستماتیک:

### تحلیل جزءنگر یا مکانیکی

تحلیل جزءنگر در واقع تحلیل کل از طریق مشاهده تجربی اجزاء یا همان تحلیل استقرایی است.

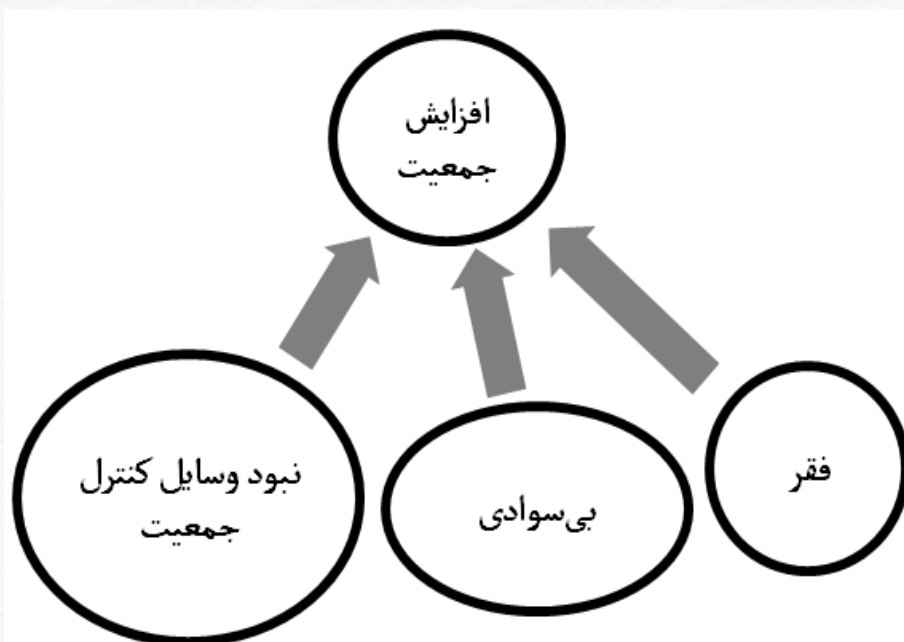
مثلا در تحلیل مسئله افزایش جمعیت به عنوان متغیر وابسته، اثرات سه متغیر (فقر، بی-سوادی و نبود

وسایل کنترل جمعیت) به طور مستقل مورد

سنجش قرار می گیرند. این تحلیل، تحلیلی

خطی بوده و رابطه یک طرفه از متغیرهای مستقل

و وابسته را به نمایش می گذارد.

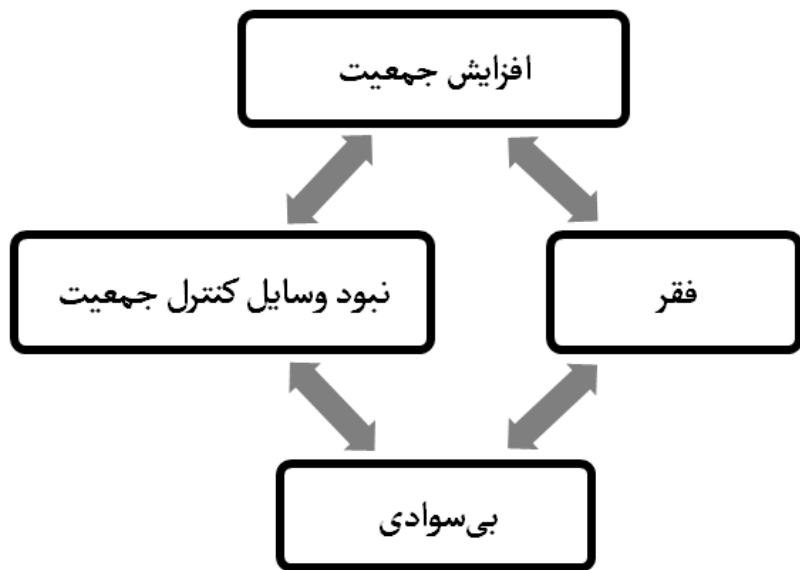


نمودار شماره (۴-۵) متغیرهای موثر بر افزایش جمعیت

## ۷. استفاده از نظریه

### تحلیل کل نگر یا سیستمی

تحلیل کل نگر در واقع همان تحلیل جزء از طریق کل یا تحلیل قیاسی است. تحلیل سیستمی، شناسایی رفتار و هدف کل مجموعه از راه تعامل کارکردی (آثار) بین اجزاء یا ترسیم کل برای نحوه چیدن اجزا است.



نمودار شماره (۴-۶) روابط بین متغیرها در مسئله افزایش جمعیت

در تحلیل سیستمی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و همچنین بین خود متغیرهای مستقل، اثرات متقابل وجود دارد و ممکن است در طول زمان یکدیگر را تشدید یا تضعیف نمایند. لذا این نوع تحلیل، تحلیلی غیرخطی (دیالکتیکی و بازخوردی) بوده و رابطه ای دوطرفه از متغیرها را به نمایش می گذارد.

## ۷. استفاده از نظریه

ب) نظریه های ایستا و پویا:

### تحلیلهای ایستا

تحلیگر در تحلیل ایستا، نگاه مقطعی به مسئله مورد نظر دارد. یعنی صرفاً بر اساس موقعیت فعلی مسئله، تحولات مربوط به آن را بررسی می-کند؛ بدون اینکه توجهی به تحولات مسئله مورد نظر در طی زمان داشته باشد. در واقع تحلیل ایستا، شناسایی مسئله، مستقل از زمان و محیطش می باشد. تحلیل ایستا مثل عمل عکس گرفتن است که فقط یک لحظه از زمان را نشان می دهد.

مثال: چرا کارگران سفیدپوست نسبت به کارگران سیاه-پوست احساسات نژادپرستانه دارند؟

چون کارگران سیاه-پوست با سندیکاهاى کارگری آشنایی ندارند.

## ۷. استفاده از نظریه

### تحلیل فرایندی (پویا)

در این نوع تحلیل، گذشته پدیده از آن جهت بسیار اهمیت دارد که در واقع پیش زمینه‌های شکل‌گیری همان پدیده را روشن می‌سازد. در واقع تحلیل پویا شناسایی مسئله یا بررسی تغییرات اجتماعی در ارتباط با زمان و محیطش می‌باشد. تحلیل پویا مثل عمل فیلم گرفتن است که لحظات حرکت و فرایند تغییرات را نشان می‌دهد.

مثال: چرا کارگران سفیدپوست نسبت به کارگران سیاه‌پوست احساسات نژادپرستانه دارند؟  
چون عدم آشنایی کارگران سیاه‌پوست با سندیکاها و کارگری موجب می‌شد کارفرمایان از آنان به عنوان نیروی ذخیره کار به جای کارگران سفیدپوست استفاده کنند. همین امر موجب می‌شد احساسات نژادپرستانه کارگران سفیدپوست نسبت به کارگران سیاه‌پوست تشدید و در طول زمان تکرار شود.

## مغالطات تحليل

## مغالطات تحلیل

✓ مغالطه عبارتست از مقدمات یک استدلال (چه قیاسی چه استقرایی) که از عهده پشتوانگی نتیجه خود برنیاید. یا قضایایی که صادر کننده آنها دانسته یا نادانسته، واقعیت یا بخشی از واقعیت را با رنگ و لعاب‌هایی باورپذیر می‌آراید به حدی که در بین مردم رایج می‌شود.

✓ دو نوع خطا در معرفت بشری :

۱. خطای تصادفی که وجودش در معرفت، طبیعی است.

۲. خطای سیستماتیک ، خطایی که پیوسته تکرار می‌گردد. مارکس علت اصلی مغالطات نظام وار را ناشی از ایدئولوژی می‌دانست که موجب وارونگی حقیقت، دلیل‌تراشی، توجیه منافع یک گروه خاص، مشروعیت‌بخشی به سلطه نظام حاکم... می‌شود.

## مغالطات تحلیل

### ۱. مغالطه مرجعیت

مثلا در یک روزنامه دولتی می نویسد: در کشور فقط ۲۰٪ جمعیت، فقیر هستند و این در هر کشوری امری طبیعی است. این تحلیل چنین القا می کند که چون روزنامه رسمی دولتی یک مرجع مهم است، پس این حرف درست و منطقی است.

### ۲. مغالطه واگن بند یا توسل به اکثریت

مثلا چون اکثریت مردم معتقدند که در کارها پارتی بازی می شود؛ پس کارها به روال قانونی و درست انجام نمی شود.

### ۳. مغالطه جبرگرایی گذشته نگر

مثلا اگر در جامعه، فقرا وجود دارند باید هم باشند؛ چون در طول تاریخ همیشه فقرا وجود داشته اند.

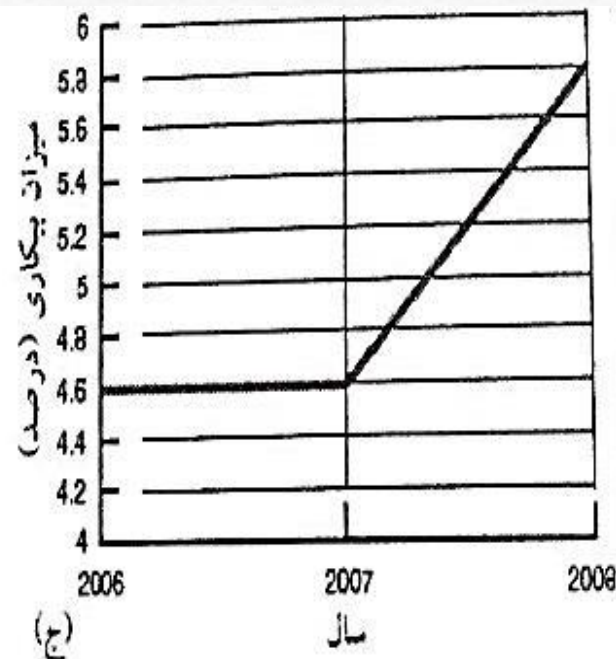
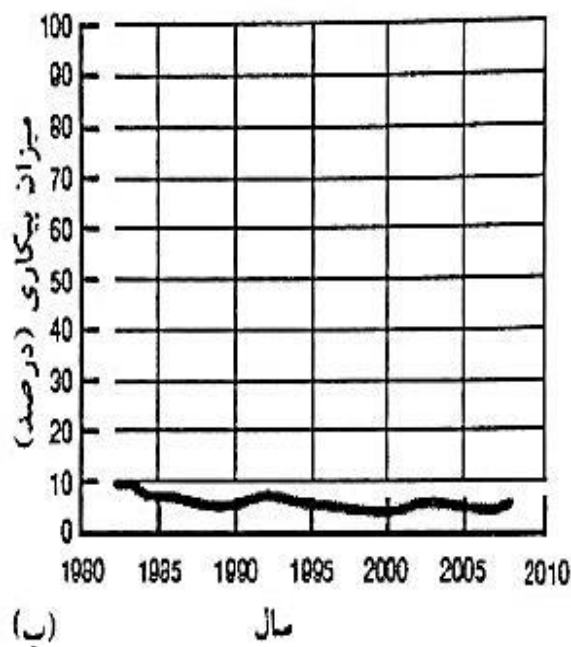
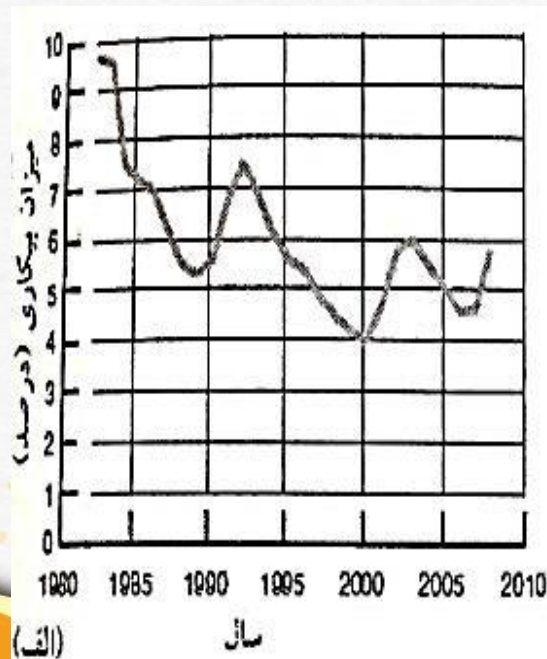
## ۴. مغالطه آماری

مثلا سه نمودار مبتنی بر داده‌های یکسانی هستند، اما هر کدام واقعیتهای متفاوتی را نشان می‌دهد.

✓ نمودار (الف) با استفاده از مقیاس بزرگ چنین القا می‌کند که بیکاری در طول زمان کاهش یافته است.

✓ نمودار (ب) از مقیاس کوچکی سود جست که تغییرات را در میزان بیکاری کوچک نشان دهد.

✓ نمودار (ج) فقط سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ را انتخاب کرده تا میزان بیکاری را رو به رشد نشان دهد.



۱. تعریف مسئله اجتماعی

۴-۷. استفاده از نظریه

✓ نظریه های جزنگر و کل نگر

✓ نظریه های استقرایی و قیاسی

۲. زمینه های مسئله اجتماعی

۳. پیش فرض های مسئله اجتماعی

۳-۱. پیش فرض های انسان شناختی

۳-۲. پیش فرض های معرفت شناختی

۵. مغالطات تحلیل مسئله اجتماعی

۴. مراحل تحلیل مسئله اجتماعی

۴-۱. تعریف سوال یا مسئله

۴-۲. تعیین متغیرهای مسئله و تعریف آنها

۴-۳. تعیین رابطه بین متغیرها

۴-۴. سطوح تحلیل متغیر

۴-۵. تحلیل چندمتغیره

۴-۶. علیت احتمالی نه قطعی

## نحوه تحلیل مسائل اجتماعی

رحیم زایرکعبه

دکترای جامعه‌شناسی

با تشکر از توجه‌تان